

مدل شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در زنان شاغل تهران

سمیه پیشکار^۱، عبدالرضا ادهمی^{۲*} و حسین دهقان^۳

چکیده

انقلاب صنعتی و گسترش رسانه‌ها، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، سبک زندگی و ساختار خانواده‌ها را متحول کرده است. این تغییرات در ایران نیز مشهود بوده و سبک زندگی مدرن به عنوان عاملی کلیدی در تمایل به مجرد، به‌ویژه در میان زنان شاغل تهران، معرفی شده است. هدف این پژوهش، طراحی مدلی برای شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در زنان شاغل تهران است.

پژوهش از رویکرد ترکیبی کیفی-کمی بهره برده است. در بخش کیفی، داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۰ نفر از خبرگان و زنان شاغل مجرد گردآوری و با روش داده‌بنیاد تحلیل شدند. این تحلیل شامل ۱۷ مقوله اصلی و ۸۸ کد اولیه در شرایط علی، ۶ مقوله اصلی و ۲۵ کد اولیه در شرایط زمینه‌ای، ۱ مقوله اصلی و ۴۲ کد اولیه در شرایط مداخله‌گر، ۸ مقوله اصلی و ۴۱ کد اولیه در راهبردها و ۵ مقوله اصلی و ۵۲ کد اولیه در پیامدها بود. در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۳۸۴ زن شاغل مجرد به روش تصادفی انتخاب و داده‌ها با نرم‌افزار Amos تحلیل شد. شرایط علی شامل ارتباطات اجتماعی و تغییرات فرهنگی، شرایط زمینه‌ای شامل وضعیت اقتصادی و ساختارهای سازمانی، و شرایط مداخله‌گر شامل محدودیت‌های فرهنگی بود. راهبردها شامل تقویت آگاهی فردی و بازتعریف نقش‌های جنسیتی و پیامدها نشان‌دهنده فردگرایی، ارتقای نقش زنان و کاهش تمایل به ازدواج سنتی بود. سبک زندگی مدرن با تأکید بر فردگرایی و تغییر نقش‌های اجتماعی، گرایش به مجرد را افزایش داده و اولویت‌های فردی را برجسته کرده است. این فرایند ساختار خانواده را تغییر داده و منجر به افزایش سن ازدواج شده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی مدرن، مجرد، زنان شاغل

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول) adhamiab@yahoo.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

مقدمه و بیان مساله

سخن گفتن از سبک زندگی مدرن در بین افراد جامعه ایرانی به ویژه زنان شاغل در دستگاه های اجرایی در شهر تهران کار آسانی نیست، زیرا در اغلب مطالعات و ادبیات موجود مفهوم سبک زندگی به طور عام تعریف شده است. در حالی که اگر ما صدای افراد جامعه و زنان شاغل را در مورد مفهوم سبک زندگی بشنویم، در می یابیم، دامنه و سبک زندگی مدرن این گونه محدود نیست و نمی تواند باشد. سبک زندگی مدرن افراد ایرانی به ویژه زنان شاغل با اتکای به مجموعه متنوعی از ویژگی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... قابل دسته بندی به گروه ها و دسته های متفاوتی است. سبک زندگی یکی از مفاهیم مهم در حوزه علوم اجتماعی است، زیرا این مفهوم بر لایه های بسیاری از زندگی افراد تاثیر گذار است. سبک زندگی از یک سو بر انتخاب ها، نوع پوشش، عملکرد و ... زندگی افراد موثر است و از سوی دیگر، تحت تاثیر تغییرات محیطی قرار دارد و همواره ثابت نیست. در سال های پس از انقلاب صنعتی دنیا به سمت مدرنیته حرکت کرده و عواملی نظیر رشد سریع صنعت و شهر نشینی و پس از آن رشد رسانه و به ویژه شبکه های اجتماعی نوین نظیر اینستاگرام، تلگرام، واتساپ و سایر راه های تبادل اطلاعات، سبب تغییرات بسیاری در سبک زندگی افراد شده است. ایران نیز از این قاعده جهانی مستثنی نیست و سبک زندگی افراد در جریان تغییرات ناشی از مدرنیته قرار گرفته است، به همین علت برای شناخت و تحلیل عمیق تر از موضوعات و مسائل اجتماعی نیازمند تغییر نگرش و توجه بیشتر به مفاهیمی نظیر سبک زندگی هستیم که با سرعت بالایی در میان نسل های مختلف در حال تغییر است.

در میان گروه های اجتماعی، جوانان، زنان و دختران به عنوان بخشی از جامعه، همواره تغییرات را سریع تر از سایر گروه ها پذیرا بوده و همواره در معرض این تغییرات قرار داشته و دارند و پیشگازان سبک زندگی جدیدی را بر گزیده اند. این تغییر سبک زندگی را می توان در تغییر نگرش آن ها بر موضوعات گوناگون نظیر روابط، ارزش های سنتی، انتخاب ها و مسیر های زندگی مشاهده کرد. به عنوان نمونه می توان به زندگی مستقل از خانواده، روابط عاطفی متعدد، وابستگی به تکنولوژی و فردگرایی، سبک پوشش جدید، الگو برداری از روابط آزاد به عنوان نمونه هایی از سبک زندگی جدید اشاره کرد. امروزه برخلاف دهه های گذشته، دختران آزادی هایی فراتر داشته و اشتغال دختران و زنان مجرد، استقلال در پوشش، عدم ازدواج، ارتباطات خارج از چارچوب ازدواج، مسافرت به صورت تنها و مجردی توسط دختران، زندگی مستقل از خانواده و مواردی از این دست، دیگر امری نکوهیده نیست و از سوی بسیاری از والدین به عنوان

سبک زندگی جدید فرزندان‌شان پذیرفته شده است. به این تغییرات عوامل ظاهری نظیر تغییر نحوه پوشش، تتو، سبک های آرایش جدید و اولویت یافتن معیارهای زیبایی را نیز می توان افزود.

از سوی دیگر گسترش استفاده از رسانه اجتماعی و آشنایی زنان با تفکرات فمینیستی که امروزه بسیار رایج است، سبب تغییر دیدگاه زنان و دختران در خصوص موضوع بکارت و ازدواج شده است. آمارهای غیر رسمی بسیاری به گسترش ازدواج سفید یا همبashi بدون ازدواج رسمی در کشور اشاره دارند. هرچند که این موضوع رسمیت چندانی نیافته است، اما در لایه های پنهان فرهنگ و سبک زندگی جوانان یافت می شود. موضوع اصلی در پژوهش نهی یا تأیید این تغییرات سبک زندگی جوانان نیست، بلکه تأثیرات آنها بر تصمیمات نسل جوان، زنان و دختران و تغییرات جمعیتی مورد توجه قرار دارد.

همان طور که عنوان شد، سبک زندگی جدید و موارد ذکر شده شاخص های بسیاری را تحت تأثیر قرار داده است، یکی از شاخص هایی که در معرض این تغییرات قرار گرفته است؛ کاهش نرخ ازدواج و افزایش سن ازدواج در میان جوانان و دختران است. البته شناسایی ابعاد این تأثیر و میزان آن نیازمند بررسی بیشتری است و نمی توان به صورت پیش داورانه در مورد آن اظهار نظر کرد، اما پژوهش های بسیاری انجام شده است که تا حدودی به تأثیر سبک زندگی بر تعویق ازدواج از سوی جوانان و دختران مرتبط بوده است.

موضوع مجرد و افزایش سن ازدواج به دلایل مختلفی دارای اهمیت ویژه ای است، فراتر از موضوع تقدس، ازدواج از این منظر که اساس شکل گیری خانواده و ادامه نسل بشر است، دارای اهمیت ویژه ای است و ازدواج را نمی توان یک مقوله کاملاً فردی دانست. ازدواج امری اجتماعی، زیستی و فرهنگی است که نقش اساسی در برآوردن نیازهای اصلی انسان دارد (شهناواز و اعظم زاده؛ ۱۳۹۷، ص ۴۵) به همین علت موضوع ازدواج تنها از منظر فرهنگی دارای اولویت و ارزش نیست، بلکه باید به این نکته توجه داشت کاهش نرخ ازدواج در میان جوانان می تواند منجر به کاهش نرخ مولید شود. در شرایط فعلی که کشور با موضوع پیری جمعیت رو به رو است، کاهش نرخ مولید نیز یکی از دغدغه های مسئولین است.

فارغ از مشکلات اقتصادی که مانعی برای ازدواج جوانان است، تغییرات فرهنگی و سبک زندگی به ویژه در میان دختران و زنان جوان، یکی دیگر از علل کاهش نرخ ازدواج در کشور است، رشد اندیشه های فمینیستی، تغییر الگوهای

زندگی، تمایل به اشتغال و مجرد قطعی از مسائلی هستند که از سوی زنان جوان و مجرد به ویژه در شهرهای بزرگی نظیر تهران بیش از بیش مورد توجه قرار گرفته است.

طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، در این سال ۱۲ درصد جمعیت ۲۵ ساله و بیشتر کشور، هرگز ازدواج نکرده بودند. این نسبت برای مردان حدود ۱۴ درصد و برای زنان حدود ۱۰ درصد بوده است. در حالی که در دو دهه قبل یعنی در سال ۱۳۷۵ این نسبت برای هر دو جنس ۶/۳ درصد، برای زنان ۵ درصد و برای مردان ۷/۵ درصد بوده است. همچنین آمارها نشان میدهد که طی دوره ۲۰ ساله ۱۳۷۵-۱۳۹۵ میزان مجرد قطعی هم در زنان و هم در مردان با افزایش همراه بوده است (مروت و سایرین؛ ۱۳۹۹، ص ۶۹).

شبکه های اجتماعی نظیر اینستاگرام، توئیتر که در سال های اخیر بخش زیادی از اوقات فراغت افراد جامعه و زنان را به خود اختصاص داده است، در شکل گیری تفکرات جدید، نقش ویژه ای داشته است، گسترش فعالیت فمینیست های فارسی زبان در این شبکه های اجتماعی و ساخت الگوی زن مدرن به شکل زنی شاغل، فارغ از مسئولیت های زنانه و ازدواج بخشی از تغییر ارزش های زنانه است که می تواند بر تمایل زنان به ازدواج موثر باشد. در نهایت باید گفت تغییرات فرهنگی و ارزش ها، تکنولوژی و یا به بیان کلی سبک زندگی به عنوان یک متغیر کلان می تواند بر کاهش نرخ ازدواج موثر باشد، اما میزان و نحوه اثرگذاری این متغیر نیازمند بررسی بیشتری است. به همین علت با بررسی تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه های اجرایی شهر تهران با تاکید بر شاخص های سبک زندگی مدرن در صدد پاسخ به این سوال مهم هستیم که مدل شاخص های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در زنان شاغل تهران چگونه است؟

پیشینه تحقیق و مبانی نظری

سبک زندگی مدرن مفهومی است که به مجموعه ای از رفتارها، اعتقادات، ارزش ها و شیوه های زندگی در جوامع صنعتی و پیشرفته اشاره دارد. این مفهوم به ویژه در جوامع شهری و کشورهای در حال توسعه اهمیت ویژه ای پیدا کرده است، جایی که تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییرات اساسی در سبک زندگی افراد به وجود آورده است. در این راستا، عوامل مختلفی بر سبک زندگی افراد تأثیر می گذارند که از آن جمله می توان به عوامل اقتصادی، تحصیلات، جنسیت، سن و دوره عمر، سرمایه اجتماعی و شبکه های اجتماعی اشاره کرد. این عوامل می توانند تمایل افراد به مجرد و الگوهای خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهند.

عوامل اقتصادی به‌ویژه در جوامع شهری تأثیر قابل‌توجهی بر انتخاب‌های فردی، از جمله تمایل به مجرد، دارند. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که شرایط اقتصادی مانند درآمد، وضعیت شغلی و دسترسی به منابع مالی می‌تواند بر ترجیحات زندگی شخصی افراد تأثیرگذار باشد (سالمی، ۱۳۹۸). برای مثال، زنان شاغل که از استقلال اقتصادی برخوردارند، بیشتر تمایل دارند که زندگی مستقل و بدون ازدواج را انتخاب کنند، چرا که در چنین شرایطی، نیاز به حمایت مالی همسر کاهش می‌یابد و فرد قادر است تصمیمات خود را به‌طور مستقل اتخاذ کند. همچنین، فشارهای اقتصادی، مانند بحران‌های اقتصادی و بیکاری، می‌تواند تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده را کاهش دهد و افراد را به سمت مجرد سوق دهد.

تحصیلات یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده سبک زندگی مدرن است. افرادی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً استقلال بیشتری در تصمیم‌گیری‌های خود از جمله در زمینه‌های شغلی، خانوادگی و اجتماعی از خود نشان می‌دهند (کاظمی، ۱۳۹۹). در جوامع مدرن، تحصیلات به‌ویژه در میان زنان با کاهش تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده همراه است. این افراد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌دلیل تحصیل در مقاطع بالاتر و ورود به بازار کار، تمایل به زندگی مستقل و تأخیر در ازدواج دارند. همچنین، تحصیلات به‌عنوان عاملی برای آگاهی‌بخشی به افراد در زمینه حقوق زنان و مسائل فمینیستی نیز شناخته می‌شود که می‌تواند بر تصمیمات شخصی آن‌ها تأثیر بگذارد.

نظریه‌های فمینیستی در جوامع مدرن به‌ویژه بر تحولات اجتماعی و اقتصادی زنان تأکید دارند. طبق دیدگاه فمینیست‌ها، توسعه و تحولات اجتماعی این امکان را برای زنان فراهم آورده است که از محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی سنتی رهایی یابند و تصمیمات خود را به‌طور مستقل اتخاذ کنند (رودن، ۲۰۰۳). در این راستا، زنان شاغل می‌توانند انتخاب کنند که در کنار فعالیت‌های شغلی خود، ازدواج نکنند و زندگی مستقل‌تری را تجربه کنند. این روند به‌ویژه در جوامع شهری که زنان در آن‌ها از فرصت‌های آموزشی و شغلی بیشتری برخوردارند، بیشتر مشاهده می‌شود. بنابراین، نظریه‌های فمینیستی به‌طور مستقیم بر شکل‌گیری سبک زندگی مدرن زنان تأثیرگذار است.

نظریات جمعیت‌شناختی به‌ویژه بر تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر روندهای جمعیتی متمرکز هستند. طبق نظریات گود، تغییرات در ساختار جمعیت، به‌ویژه در بخش زنان شاغل، می‌تواند به تغییرات عمده‌ای در ساختار خانواده‌ها و میزان مجرد منجر شود (گود، ۲۰۰۴). به‌طور خاص، افزایش تعداد زنان شاغل و تغییرات اجتماعی مرتبط با آن، می‌تواند منجر به تغییر در ترجیحات فردی و تمایل به ازدواج در زنان شود. از سوی دیگر، نیل اسلمسر نیز بر اهمیت سرمایه اجتماعی در تغییرات اجتماعی و فردی تأکید کرده است. اسلمسر بیان می‌کند که دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و

تعاملات اجتماعی می‌تواند تمایل به ازدواج را کاهش دهد و افراد را به سمت زندگی مستقل و مجرد سوق دهد (اسلمسر، ۲۰۱۰).

ویلیام گود در تحلیل تغییرات اجتماعی و روندهای جمعیتی، به‌ویژه رفتارهای فردی و تأثیر آن‌ها بر ساختار خانواده و تغییرات جمعیتی پرداخته است. گود معتقد است که تغییرات در سبک زندگی افراد می‌تواند از عواملی مانند سن، جنسیت، موقعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها ناشی شود و این امر به‌طور مستقیم بر انتخاب‌های خانوادگی و تمایل به مجرد تأثیرگذار است (گود، ۲۰۰۲). وی همچنین بر این باور است که سبک زندگی مدرن، به‌ویژه در میان زنان، به‌دلیل افزایش استقلال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موجب کاهش تمایل به ازدواج و افزایش تمایل به مجرد می‌شود.

سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در تحلیل تغییرات اجتماعی، به‌ویژه در زمینه انتخاب‌های فردی و اجتماعی، شناخته می‌شود. اسلمسر (۲۰۱۰) بیان می‌کند که افزایش تعاملات اجتماعی و دسترسی به شبکه‌های حمایتی می‌تواند تمایل به ازدواج را کاهش دهد. در جوامع مدرن، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی می‌تواند بر ترجیحات فردی تأثیر بگذارد و به‌طور خاص، تمایل به مجرد را افزایش دهد. سرمایه اجتماعی به‌ویژه در میان زنان شاغل و مستقل می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر در انتخاب سبک زندگی مستقل و عدم تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده عمل کند.

با توجه به نظریات مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که سبک زندگی مدرن و عواملی چون شرایط اقتصادی، تحصیلات، سرمایه اجتماعی، نظریات فمینیستی و جمعیت‌شناختی، بر تمایل به مجرد در زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی تأثیرگذار هستند. این عوامل می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری تصمیمات فردی زنان تأثیر گذاشته و موجب کاهش تمایل به ازدواج و افزایش تمایل به زندگی مستقل شوند.

روش پژوهش

در این مطالعه از روش ترکیبی (کیفی-کمی) استفاده شده است. در مرحله کیفی برای شناخت شاخص‌های سبک زندگی مدرن و تأثیر بر میزان تمایل به مجرد در زنان شاغل دستگاه‌های اجرایی از روش نظریه داده بنیاد (نظریه زمینه ای) استفاده گردید. در مرحله کمی با استفاده از روش توصیفی-پیمایشی، اعتبارسنجی شاخص‌های سبک زندگی مدرن و تأثیر بر میزان تمایل به مجرد در زنان شاغل در سازمان ملی بهره‌وری، مرکز آموزش مدیریت دولتی و جمعیت هلال

احمر بررسی شده است. از این رو، در این مطالعه به صورت متوالی داده‌های کیفی و کمی مورد جمع‌آوری و تحلیل قرار گرفتند.

جامعه آماری در مرحله کیفی در برگیرنده خبرگان (کارشناسان خانواده، پژوهش‌گران و اساتید جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مشاوره، جمعیت‌شناسی و...) و زنان شاغل مجرد در مرکز آموزش مدیریت دولتی، جمعیت هلال احمر و سازمان ملی بهره‌وری در تهران بوده است. طی فرایند پژوهش از نمونه‌گیری نظری استفاده گردید (از کیا و همکاران، ۱۳۹۶) و با انتخاب هدفمند، نمونه‌ها انتخاب گردید. اندازه نمونه در این پژوهش بر مبنای شاخص اشباع نظری بود. به طوری که پژوهش‌گر بعد از مصاحبه باز با ۳۰ نفر از خبرگان، کارشناسان و زنان شاغل مجرد به اشباع نظری رسید. برای گردآوری اطلاعات علاوه بر داده‌های ثانویه (ادبیات و پیشینه تحقیق نظیر کتاب‌ها، مجلات، پایان‌نامه‌های مرتبط، سایت‌های اینترنتی و...)، پس از تهیه راهنمای مصاحبه به جمعیت منتخب مراجعه و داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های باز جمع‌آوری شد.

نخستین گام در ساخت نظریه زمینه‌ای انجام کدبندی باز است محقق در این مرحله خط به خط داده‌ها را بازنگری نمود و فرایندهای آن را تشخیص و با استفاده از کلمات و عبارات آنها را کد گذاری نمود. سپس با مقایسه مداوم کدها از نظر تشابه و تفاوت در مفاهیم، طبقات شکل گرفته و ویژگی‌ها و ابعاد هر یک از آنها تعیین گردید. در کدبندی اولیه پژوهشگر بر اساس واحد کدبندی، به هر واحد مورد نظر یک کد (مفهوم و برجسب) الصاق کرد. سپس با ترکیب مفاهیم مشابه، در چتر بزرگتری به نام خرده مقوله‌ها و در نهایت از خرده مقوله‌ها به مقوله‌های اصلی دست یافت. در مرحله دوم طبقات با یکدیگر متصل گشته و مجموعه‌ای از قضایا را ساختند. در این مرحله کدها و طبقات مقایسه شده و روابط بین طبقات و زیر طبقه‌ها مشخص شد تا تفسیری دقیق‌تر از پدیده مورد نظر به دست آید. اشتراوس و کوربین از واژه‌هایی بنام پارادایم کد گذاری استفاده کرده‌اند که به منظور توصیف مجموعه مفاهیمی به کار می‌رود که زمینه ساز ارتباط و اتصالات بین موضوعات مورد نظر فرایند تحقیق می‌باشد. این پارادایم بر مواردی از قبیل شرایط علی - پدیده مقوله مرکزی (هسته) - زمینه - شرایط مداخله‌ای - راهبردهای عملی / تعاملی و پیامدها یا پی‌آیندها متمرکز می‌باشد (محمدپور، ۱۳۹۰).

در این پژوهش به جهت جنبه نو بودن تحقیق و محدودیت‌های احتمالی داده‌ها از رویکرد مثلث سازی استفاده شد. مثلث سازی به فرایند استفاده از رویکردها و منابع گوناگون برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در پژوهش اطلاق می‌شود

(اسکینر و همکاران، ۲۰۱۴)^۱ هم چنین با توجه به معیارهای ارائه شده توسط کرسول و میلر^۲ (۲۰۰۰) برای حصول اطمینان از اعتبار و روایی مورد اشاره در جدول ۱ استفاده شد.

جدول ۱. روش‌های اطمینان از روایی

روش‌های اطمینان از روایی	نحوه‌ی اجرا در این پژوهش
مثلث سازی	استفاده از منابع متعدد برای جمع آوری داده‌ها
درگیری طولانی مدت	افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت کنندگان برای ارزیابی برداشت‌های پژوهش
بازرسی مجدد مسیر کسب اطلاعات	انجام بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به دست آمده به جهت پیش‌گیری از سوگیری و اطمینان از صحت، توسط پژوهش‌گر و یک داور خارجی آشنا به موضوع مورد پژوهش
چک کردن با مشارکت کنندگان	بررسی داده‌های به دست آمده به کمک گروه پژوهش و مصاحبه شونده‌گان در رابطه با نتایج
مقایسه مستمر	مقایسه داده‌های به دست آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع به صورت مستمر در تمام طول پژوهش

در این مطالعه پایایی داده‌ها بدین ترتیب تعیین شد که داده‌های بدست آمده در مصاحبه، در یادداشت‌های درعرصه نیز بدست آمد و جهت نیل به معیار قابلیت تأیید، تمامی مراحل انجام تحقیق به ویژه مراحل تحلیل داده‌ها در تمام مسیر به صورت مشروح و مبسوط ثبت شد تا چنانچه محقق دیگری مایل به ادامه پژوهش در این حوزه باشد به راحتی بتواند بر اساس مکتوبات و مستندات موجود مربوط به مصاحبه‌ها و تحلیل‌ها و سایر مراحل پژوهش این کار را دنبال نماید. ضمناً تعدادی از مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده در اختیار همکاران پژوهشگر و تعدادی از اعضای هیئت علمی که با نحوه تحلیل تحقیقات کیفی آشنا باشند، گذاشته و از آنان خواسته شد تا صحت این کدگذاری را مورد بررسی قرار دهند. طبقات و زیر طبقات اکتشاف شده از این مطالعه به همراه برخی از نقل قول‌های مصاحبه شونده‌گان (تحلیل روایت) آورده شده است. در نهایت با ارائه مفاهیم استخراج شده و پارادایم نهایی تحقیق مطابق روش اشتراوس و کوربین (۲۰۰۸) صورت گرفته است.

¹ Skinner et al., 2014

² Creswell and Miller, 2000

جامعه آماری در مرحله کمی شامل زنان شاغل مجرد در مرکز آموزش مدیریت دولتی، جمعیت هلال احمر و سازمان ملی بهره‌وری در شهر تهران بوده است. برای انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه در مرحله دوم پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی لایه‌ای/طبقه‌ای استفاده گردید و جامعه نمونه با توجه به سه دستگاه اجرایی به ۳ گروه زنان شاغل مجرد در مرکز آموزش مدیریت دولتی، زنان شاغل مجرد در جمعیت هلال احمر و زنان شاغل مجرد در سازمان ملی بهره‌وری دسته‌بندی گردید. در مرحله بعد از هر گروه با توجه به روش انتخاب متناسب، نمونه‌ها انتخاب گردید. البته شایان ذکر است، در انتخاب نمونه‌ها در هر گروه پژوهشگر مجبور گردید، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده کند. برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران (۱۹۶۳) استفاده گردید. براساس نتایج، تعداد ۳۸۴ نفر زنان شاغل مجرد انتخاب شد.

$$n = \frac{Z^2 pq}{e^2}$$

e میزان اشتباه مجاز = ۰,۰۵

P نسبت برآورده شده از وجود صفت یا ویژگی مطرح شده در جامعه آماری = ۰,۵

Q عدم وجود صفت یا ویژگی مطرح شده در جامعه آماری = ۰,۵

مقدار Z در سطح اطمینان ۹۵٪ = ۱/۹۶

$$n = \frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} = 384$$

براساس نتایج، تعداد ۳۸۴ نفر زنان شاغل مجرد انتخاب شدند که ۱۲۸ نفر از آنان را مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۲۸ نفر دیگر را جمعیت هلال احمر و ۱۲۸ نفر مابقی نیز را سازمان ملی بهره‌وری تشکیل داده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها در این مرحله، پرسشنامه محقق ساخته بوده است. پرسشنامه بر مبنای داده‌های کیفی حاصل از مرحله اول پژوهش (روش کیفی-گراند تئوری) با استفاده از دستورالعمل طراحی پرسشنامه در پژوهش‌های زمینه‌یابی طراحی شد. این پرسشنامه علاوه بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، دارای ۳۹ گویه بوده است. به طوری که گویه‌های شرایط علی شامل مولفه‌های زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، بستر حاکم/زمینه، مداخله‌گرها، راهبردها و پیامدها می‌باشد. در این ابزار اندازه‌گیری، گویه‌ها با استفاده از مقیاس لیکرت اندازه‌گیری شده است.

در مرحله کمی اعتبار پرسشنامه توسط دیدگاه متخصصان و صاحب نظران موردسنجش قرار گرفت. به طوری که آزمون مقدماتی پرسشنامه بر روی ۱۲ نفر از اعضای مورد مطالعه انجام گردید و پس از جمع بندی مطالب، اصلاحات لازم و ضروری انجام شد و پرسشنامه مذکور تنظیم گردید. در واقع، روایی محتوایی (CVR) پرسشنامه توسط متخصصان مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد، این ابزار از اعتبار محتوایی (۰,۸۳) قابل قبولی برخوردار بوده است. فرمول CVR یا اس اچ لاوشه به شرح زیر است:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

که مقدار محاسبه شده، از مقدار ۰,۷ بزرگتر بوده است، اعتبار محتوای آن آیتم پذیرفته شده است. برای احراز اعتبار سازه از تحلیل عاملی استفاده شد. بنابراین، کلیه سؤال های پرسشنامه این تحقیق که با بهره گیری از روش های علمی طراحی شده اند، ابتدا مورد تحلیل عاملی اکتشافی^۱ و سپس جهت معنی دار بودن مورد تحلیل عاملی تأییدی^۲ قرار گرفتند.

جدول ۲. نتایج اعتبار همگرا و واگرا و پایایی مرکب در مولفه های پژوهش

مولفه ها	CR	AVE	MSV	ASV
عوامل اجتماعی	۰,۷۸	۰,۷۱	۰,۱۷	۰,۱۶
عوامل فرهنگی	۰,۷۳	۰,۶۴	۰,۲۶	۰,۱۷
عوامل اقتصادی	۰,۷۶	۰,۶۵	۰,۲۴	۰,۱۸
شرایط زمینه ای	۰,۷	۰,۶۷	۰,۲۲	۰,۱۶
شرایط مداخله گر	۰,۷۷	۰,۷۳	۰,۲۴	۰,۱۸
راهبردها	۰,۷۹	۰,۶۸	۰,۲۷	۰,۱۹
پیامدها	۰,۷۳	۰,۶۹	۰,۲۰	۰,۱۷

باتوجه به نتایج جدول، ابزار اندازه گیری از اعتبار همگرایی مناسب و قابل قبول برخوردارست، زیرا CR بزرگتر از ۰,۷ و AVE بزرگتر از ۰,۵ بوده است. این امر بیانگر وجود تعامل بیشتر گویه ها با متغیر های پنهان بوده است. همچنین با توجه به جدول، مقادیر MSV و ASV کوچکتر از AVE بوده است و بیانگر وجود اعتبار واگرایی قابل قبول است.

^۱- Exploratory

^۲- Confirmatory Factor Analysis

برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد (پایایی) از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. از این رو، پرسشنامه محقق ساخته به صورت آزمایشی بین ۲۰ نفر توزیع گردید و پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت که نتایج محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در جدول زیر آمده است:

جدول ۳. پایایی ابزار پژوهش با توجه به ضریب آلفای کرونباخ

میزان آماره آزمون کرونباخ	مولفه
۰,۹۱	عوامل اجتماعی
۰,۹۲	عوامل فرهنگی
۰,۹۳	عوامل اقتصادی
۰,۹۵	عوامل زمینه ای
۰,۹۲	عوامل مداخله گر
۰,۸۹	راهندها
۰,۹۱	پیامدها
۰,۸۹	علل فردی

با توجه به نتایج مشخص است، میزان ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده در تمامی موارد بزرگتر از ۰/۷ است که این امر نشان می دهد، گویه ها از همبستگی درونی بالایی برخوردار هستند. در نهایت پس از بررسی تحلیل اعتبار و پایایی ابزار اندازه گیری تحقیق براساس نتایج فوق الذکر، پرسشنامه نهایی در بین جامعه نمونه (زنان شاغل مجرد در سه دستگاه اجرایی) در شهر تهران توزیع گردید.

داده‌های کمی با استفاده از روش های توصیفی و مدل معادلات ساختاری (تحلیل عاملی تاییدی و ارزیابی مدل) (SEM) تجزیه و تحلیل شد و از نرم افزارهای SPSS23 و Amos Graphics با سطح اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

براساس نتایج مستخرج از مصاحبه مشارکت کنندگان، نتایج در قالب مفاهیم، خرده مقوله‌ها و مقوله‌ها استخراج شده و به تفکیک کدگذاری محوری گراند تئوری از قبیل شرایط علی- زمینه‌ای- شرایط مداخله‌ای - راهنمدهای عملی/ تعاملی و پیامدها یا پی آیندها متمرکز شده که در جداول زیر خرده مقوله‌ها و مقوله‌های مستخرج شده آورده شده است:

^۱ . Structural Equation modeling

جدول ۴. خرده مقوله‌ها و مقوله‌های استخراج شده از داده‌های کیفی در رابطه با شرایط علی شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران

خرده مقوله‌ها	مقوله‌ها
تغییر شکل ساختار خانواده، تغییر ارزش‌ها و هنجاری اجتماعی، پذیرش سبک زندگی جدید فرزندان از سوی والدین، تغییر عوامل محیطی، تغییر نگرش در دختران، هراس از آینده ازدواج، دگرگونی در سطوح کلان و خرد، تزلزل در انتخاب‌های فرد	عوامل اجتماعی
مشارکت زنان در بخش اقتصاد و بالا رفتن هزینه‌های ازدواج و زندگی	عوامل اقتصادی
تغییرات فرهنگی، توجه به سرمایه فرهنگی در خانواده، تغییر سبک زندگی، تغییر الگوهای اوقات فراغت، تغییر ارزش‌های زنانه	عوامل فرهنگی

در جدول شماره ۴، نتایج مربوط به شرایط علی شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران نشان داده شده است. براساس نتایج به دست آمده از پژوهش، این عوامل به عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره کرده است. به طوری که علل اجتماعی از ۱۰ مقوله اصلی، ۸ خرده مقوله و ۴۴ مفهوم، علل اقتصادی از ۲ مقوله اصل و ۱۰ مفهوم و علل فرهنگی از ۵ مقوله اصلی، ۹ خرده مقوله و ۳۴ مفهوم مستخرج شده، تشکیل شده است.

جدول ۵. خرده مقوله‌ها و مقوله‌های استخراج شده از داده‌های کیفی در رابطه با شرایط زمینه‌ای (بستر حاکم) شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران

خرده مقوله	مقوله
پیدایش خانه‌های مجردی، تغییر الگوهای رفتاری، ارتباطات خارج از چارچوب ازدواج، تغییر اوقات فراغت، تغییر جهان بینی و ارزش‌های فردی، از بین رفتن اقتدار مردان و خانواده و نهادینه شدن ارزش‌های غربی	تغییر الگوهای زندگی روزمره
نهاد دین و نهاد خانواده	تردید نسبت به نهادها
وابستگی به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، وابستگی به اینترنت و وابستگی به ماهواره	وابستگی به تکنولوژی جدید
افزایش سطح تحصیلات والدین، و دختران در خانواده‌ها	افزایش سطح تحصیلات
کاهش نرخ ازدواج و افزایش سن ازدواج	کم رنگ شدن ازدواج
موقعیت اجتماعی فرد، کسب پست سازمانی و افتخارات فرد	توجه به سرمایه نمادین زنان

مدل شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در زنان شاغل تهران

در جدول شماره ۵، نتایج مربوط به شرایط زمینه‌ای (بستر حاکم) شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران نشان داده شده است. براساس نتایج حاصل از پژوهش، شرایط زمینه‌ای مستخرج شده از مصاحبه با مشارکت کنندگان از ۶ مقوله اصلی، ۶ خرده مقوله و ۲۵ مفهوم مستخرج شده تشکیل شده است.

جدول ۶. خرده مقوله‌ها و مقوله‌های استخراج شده از داده‌های کیفی در رابطه با به کارگیری شرایطی (شرایط مداخله‌گر) نسبت به تاثیر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران

خرده مقوله	مقوله
گسترش وسایل ارتباط جمعی جدید، اینترنت، ورود و استفاده از اپلیکشن‌های اجتماعی، استفاده از رسانه‌های اجتماعی مجازی، ورود ماهواره و ترویج سبک زندگی جدید، ترویج شبکه‌های اجتماعی مجازی، تغییر ساختار ارتباطی فرد از طریق شبکه‌های مجازی، ایجاد سرگرمی‌های جدید در شبکه‌های اجتماعی مجازی و نقش اپلیکشن‌های اجتماعی	ورود و گسترش تکنولوژی‌های نوین

در جدول شماره ۶، نتایج مربوط به تاثیر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران نشان داده شده است. براساس نتایج پژوهش، شرایط مداخله‌گر مستخرج شده از مصاحبه با مشارکت کنندگان از ۱ مقوله اصلی، ۹ خرده مقوله و ۴۲ مفهوم مستخرج شده تشکیل شده است.

جدول ۷. خرده مقوله‌ها و مقوله‌های استخراج شده از داده‌های کیفی در رابطه با راهکارهای مطلوب به منظور تاثیر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران

خرده مقوله	مقوله
الگوپردازی از روابط آزاد، ترویج و پذیرش برقراری رابطه با جنس مخالف، ظهور و گسترش ازدواج سفید یا هم‌باشی بدون ازدواج رسمی، تاکید بر الگوپردازی از سبک زندگی غربی، روآوری به مصرف خودنمایانه (میزان مصرف و شیوه مصرف خود و شیوه گذراندن اوقات فراغت)	ترویج و به کارگیری شیوه‌های زندگی متفاوت
تحصیلات عمومی، تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی	گسترش زمینه‌های تحصیل بیشتر برای زنان
پرستیژ شغلی، نوع شغل زنان، منابع درآمدی زنان، تحصیلات رسمی و آکادمیک، استوار بر ارزش‌گذاری اجتماع صرف نظر از مثبت یا منفی بودن و استوار بر ارزیابی اجتماع صرف نظر از مثبت یا منفی بودن	تکوین منزلت اجتماعی
توسعه شخصی، خودشنوایی و ترویج نقش‌های جنسیتی برابری طلب	ترویج و گسترش ارزش‌های فرامادی

مقوله	خرده مقوله
توجه و گسترش فردگرایی	توجه به فردمحوری و اهمیت دادن به خواسته‌های فردی
توجه و گسترش شبکه‌های ارتباطی دوستانه	وجود آزادی و مناسبات اجتماعی با جنس مخالف، جنس مخالف با عنوان دوست اجتماعی و وجود آزادی‌های جنسی تاحدودی
توجه به جایگاه جدید زنان	گسترش فرصت‌های تحصیلی، اشتغال زنان، بهبود موقعیت زنان، توجه به فردمحور در مقابل خانواده محوری، ایجاد نگرش مثبت نسبت به اشتغال زنان در خانواده و تغییر نگرش سنتی خانواده در انتخاب همسر
بازتعریف مفهوم سبک زندگی	توجه به تغذیه و ترجیحات غذایی، توجه به ترجیحات موسیقی و هنر و توجه به الگوهای انتخاب پوشش
تغییرات عوامل ظاهری	اولویت یافتن معیارهای زیبایی، سبک‌های آرایش جدید (تتو آبرو، و...)، تغییر تحوه پوشش
اهمیت دادن به مدیریت بدن	جراحی زیبایی (صورت، سینه، لاغری و زیبایی اندام و باسن و...)

در جدول شماره ۷، نتایج مربوط به بکارگیری راهکارهای مطلوب به منظور تاثیر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران نشان داده شده است. براساس نتایج پژوهش، راهبردهای مستخرج شده از مصاحبه با مشارکت کنندگان از ۸ مقوله اصلی، ۴ خرده مقوله و ۴۱ مفهوم مستخرج شده تشکیل شده است.

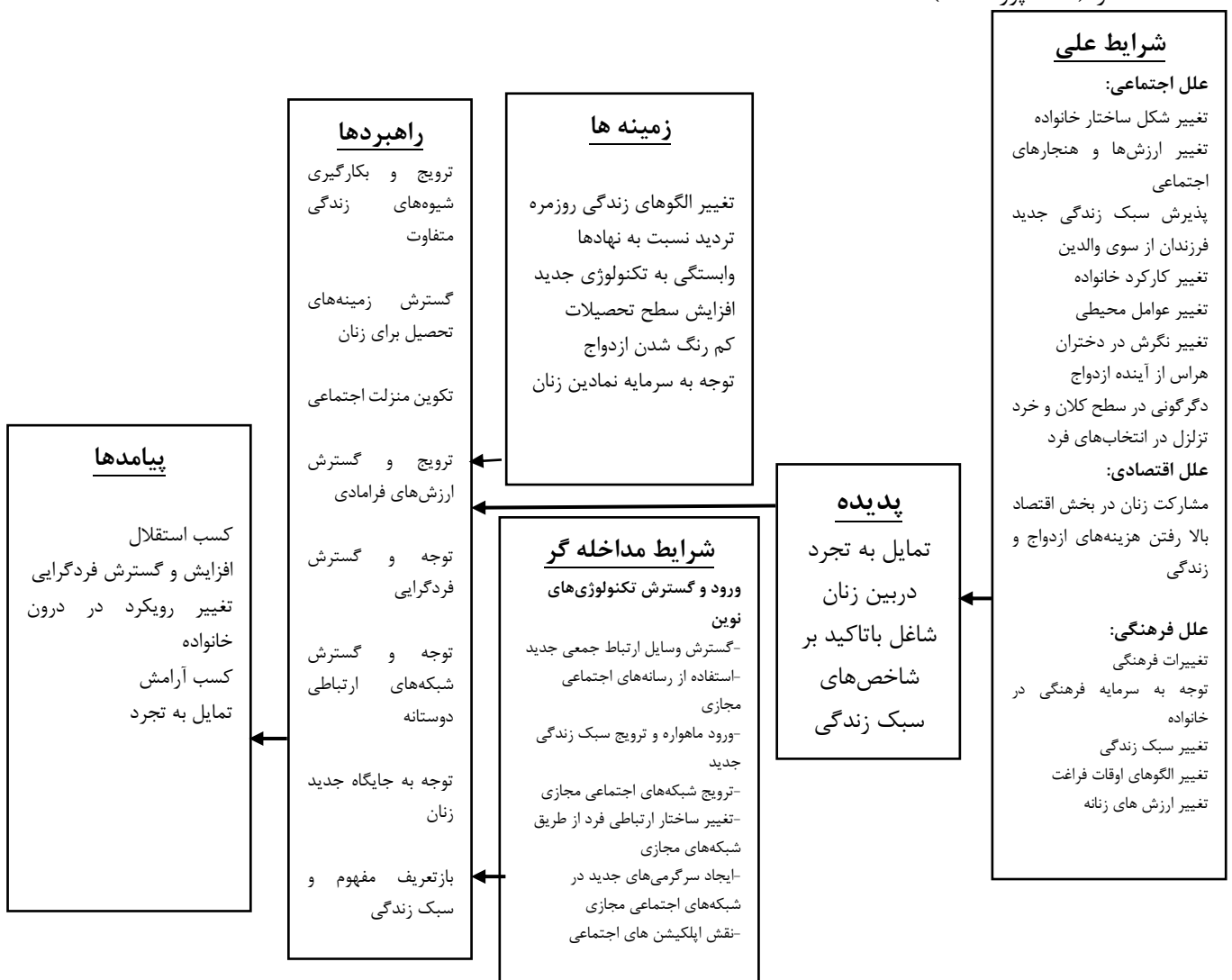
جدول ۸. خرده مقوله‌ها و مقوله‌های استخراج شده از داده‌های کیفی در رابطه با پیامدهای به کارگیری راهکارهای مطلوب به منظور تاثیر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران

مقوله	خرده مقوله
کسب استقلال	استقلال فکری زنان، استقلال عمل زنان، استقلال اقتصادی، استقلال اجتماعی
افزایش و گسترش فردگرایی	گسترش فردگرایی و افزایش خودمختاری فردی
تغییر رویکرد در درون خانواده	تغییرات در خانواده (تغییرات در ساختار خانواده، تغییرات در سبک زندگی و شکل گیری خانواده در اشکال جدید)
کسب آرامش	کسب احساس بهتر بودن، حل تعارض‌های بیرونی و درونی، کاهش اضطراب، کسب راحتی فکر در زندگی
تمایل به مجرد	تمایل به مجرد قطعی، انتخاب مجرد و تمایل کمتر به ازدواج در سن بالا

مدل شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در زنان شاغل تهران

در جدول شماره ۸، نتایج مربوط به پیامدهای به کارگیری راهکارهای مطلوب به منظور تاثیر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران نشان داده شده است. براساس نتایج پژوهش، پیامدهای مستخرج شده از مصاحبه با مشارکت کنندگان از ۵ مقوله اصلی، ۸ خرده مقوله و ۵۲ مفهوم مستخرج شده تشکیل شده است.

بعد از کدگذاری محوری، مرحله ی نهایی کدبندی، یعنی کدبندی گزینشی/انتخابی آغاز می‌شود. در این مرحله نظریه تقریباً به استحکام رسیده و محقق بعد از انجام برخی اصلاح‌های نظری ممکن، با مقوله های اندکی سروکار دارد (محمدپور، ۱۳۹۰).



شکل ۱. مدل پارادایمی شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در زنان شاغل تهران

در بخش کمی تحلیل عامل تاییدی مقوله های مورد مطالعه مورد سنجش قرار گرفت. مولفه های علل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شرایط مداخله گر، بستر حاکم/زمینه ای، راهبردها و پیامدها در قالب مدل CFA مورد سنجش و آزمون قرار گرفت که نتایج به شرح زیر بوده است:

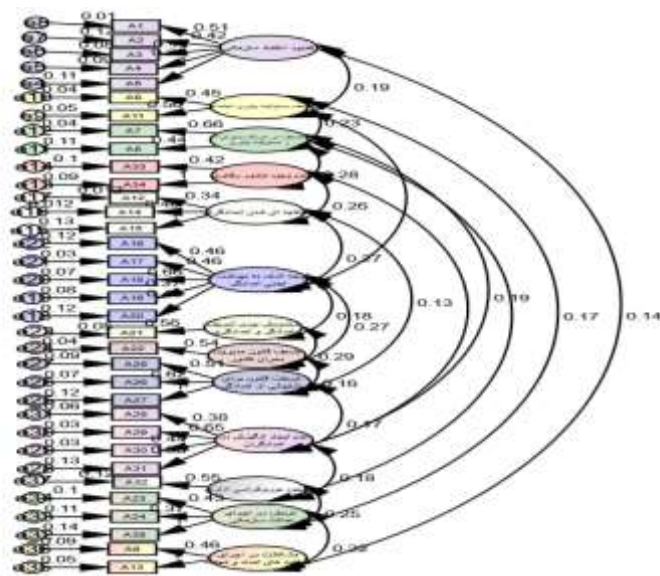
مولفه های علل اجتماعی

جدول ۹. نتایج مدل اندازه گیری مولفه های علل اجتماعی موثر شاخص های سبک زندگی مدرن بر تمایل به تجرد در

بین زنان شاغل در دستگاه های اجرایی در شهر تهران

CFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	Df	CMIN (x2)
۰,۹۳۰	۰,۹۲۹	۰,۰۶۱	۰,۰۰۰	۴,۳۸۸	۲۷۱	۱۱۸۹,۱۱

شاخص های جدول نشان می دهد، از آنجا که مقادیر شاخص های CFI و NFI بزرگتر از ۰,۹ بوده است. هم چنین شاخص $RMSEA = 0.061$ و $CMIN/df = 4.388$ شده است. از این رو با توجه به نتایج شاخص های به دست آمده در پژوهش، می توان بیان کرد، مدل از برازش متناسب برخوردار بوده است.



شکل ۲. نتایج ضرایب استاندارد مولفه های علل اجتماعی

^۱. Root Mean Square Error of Approximation

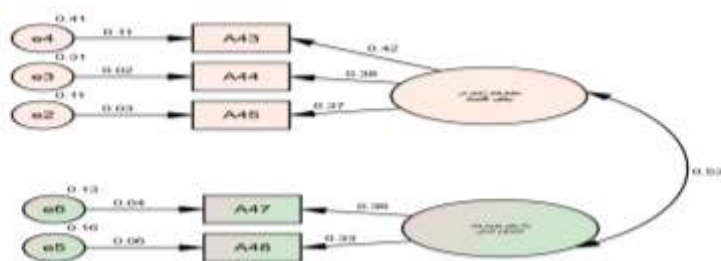
مولفه های علل اقتصادی

جدول ۱۰. نتایج مدل اندازه گیری مولفه های علل اقتصادی موثر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در

بین زنان شاغل در دستگاه های اجرایی در شهر تهران

CFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	df	CMIN (x2)
۰,۹۳۱	۰,۹۶۱	۰,۰۷۱	۰,۰۰۰	۳,۹۹۸	۱۵۰	۵۹۹,۶۸۸

شاخص های جدول نشان می دهد، از آنجا که مقادیر شاخص های CFI و NFI بزرگتر از ۰,۹ بوده است. هم چنین شاخص $RMSEA_1 = 0.071$ و $CMIN/df = 3.998$ شده است. ازاین رو با توجه به نتایج شاخص های به دست آمده در پژوهش، می توان بیان کرد، مدل از برازش متناسب برخوردار بوده است.



شکل ۳. نتایج ضرایب استاندارد علل اقتصادی

مولفه های علل فرهنگی

جدول ۱۱. نتایج مدل اندازه گیری مولفه های علل فرهنگی موثر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در

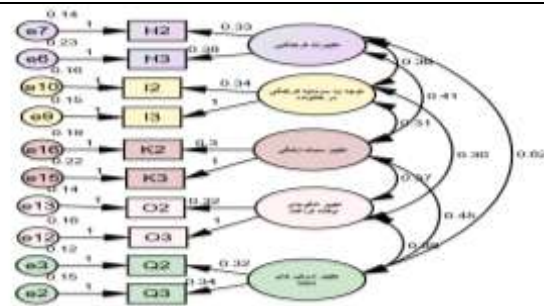
بین زنان شاغل در دستگاه های اجرایی در شهر تهران

CFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	df	CMIN (x2)
۰,۹۳۲	۰,۹۶۲	۰,۰۷۲	۰,۰۰۰	۴,۰۳۱	۱۴۹	۶۰۰,۵۹۹

شاخص های جدول نشان می دهد، از آنجا که مقادیر شاخص های CFI و NFI بزرگتر از ۰,۹ بوده است. هم چنین شاخص $RMSEA_2 = 0.072$ و $CMIN/df = 4.031$ شده است. ازاین رو با توجه به نتایج شاخص های به دست آمده در پژوهش، می توان بیان کرد، مدل از برازش متناسب برخوردار بوده است.

¹ Root Mean Square Error of Approximation

² Root Mean Square Error of Approximation



شکل ۴. نتایج ضرایب استاندارد علل فرهنگی

مولفه های بستر حاکم /زمینه ای

جدول ۱۲. نتایج مدل اندازه گیری مولفه های بستر حاکم / زمینه ای موثر شاخص های سبک زندگی مدرن بر تمایل به

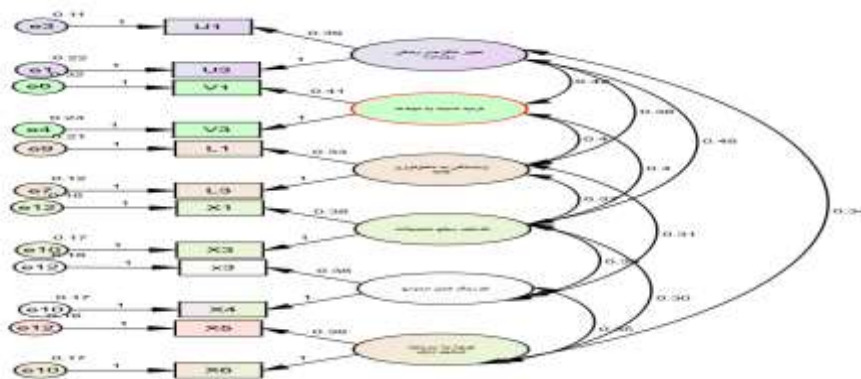
تجرد در بین زنان شاغل در دستگاه های اجرایی در شهر تهران

CFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	df	CMIN (x2)
۰,۹۱۷	۰,۹۸۱	۰,۰۷۶	۰,۰۰۰	۳,۹۷۳	۶۷	۲۶۶,۱۷۷

شاخص های جدول نشان می دهد، از آنجا که مقادیر شاخص های CFI و NFI بزرگتر از ۰,۹ بوده است. هم چنین

شاخص $RMSEA = 0.076$ و $CMIN/df = 3.973$ شده است. از این رو، با توجه به نتایج شاخص های به دست

آمده در پژوهش، می توان بیان کرد، مدل از برازش متناسب برخوردار بوده است.



شکل ۵. نتایج ضرایب استاندارد شرایط بستر حاکم (شرایط زمینه ای)

¹ Root Mean Square Error of Approximation

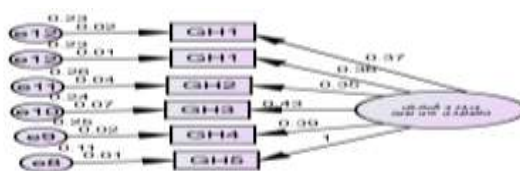
مدل شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در زنان شاغل تهران

مولفه‌های شرایط مداخله گر

جدول ۱۳. نتایج مدل اندازه‌گیری مولفه‌های شرایط مداخله گر موثر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران

CFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	df	CMIN (x2)
۰,۹۵۰	۰,۹۴۲	۰,۰۶۱	۰,۰۰۰	۴,۱۸۳	۱۳۲	۵۵۲,۲۱۱

شاخص‌های جدول نشان می‌دهد، از آنجا که مقادیر شاخص‌های CFI و NFI بزرگتر از ۰,۹ بوده است. هم‌چنین شاخص $RMSEA_1 = 0.061$ و $CMIN/df = 4.183$ شده است. ازاین رو با توجه به نتایج شاخص‌های به دست آمده در پژوهش، می‌توان بیان کرد، مدل از برازش متناسب برخوردار بوده است.



شکل ۶. نتایج ضرایب استاندارد شرایط مداخله گر

مولفه‌های راهبردها

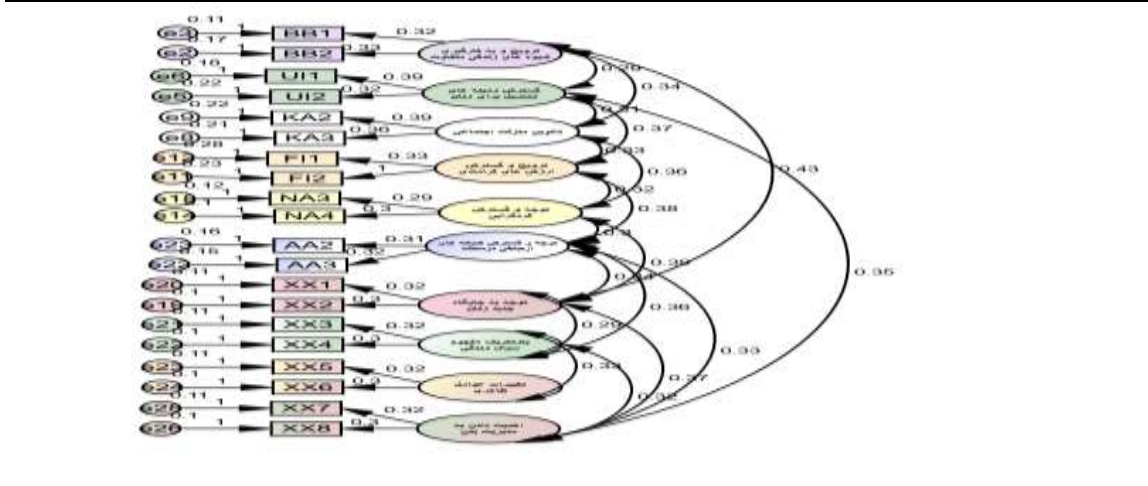
جدول ۱۴. نتایج مدل اندازه‌گیری مولفه‌های به کارگیری راهبردهای موثر شاخص‌های سبک زندگی مدرن بر تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران

GFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	df	CMIN (x2)
۰,۹۳۱	۰,۹۹۱	۰,۰۶۵	۰,۰۰۰	۴,۱۱۱	۲۴۳	۹۹۹,۱۲۳

شاخص‌های جدول نشان می‌دهد، از آنجا که مقادیر شاخص‌های CFI و NFI بزرگتر از ۰,۹ بوده است. هم‌چنین شاخص $RMSEA_2 = 0.065$ و $CMIN/df = 4.111$ شده است. ازاین رو با توجه به نتایج شاخص‌های به دست آمده در پژوهش، می‌توان بیان کرد، مدل از برازش متناسب برخوردار بوده است.

¹ .Root Mean Square Error of Approximation

² .Root Mean Square Error of Approximation



شکل ۷. نتایج ضرایب استاندارد مولفه های راهبردها

مؤلفه های پیامدها

جدول ۱۵. نتایج مدل اندازه گیری مولفه های پیامدهای به کارگیری راهبردها موثر شاخص های سبک زندگی مدرن بر

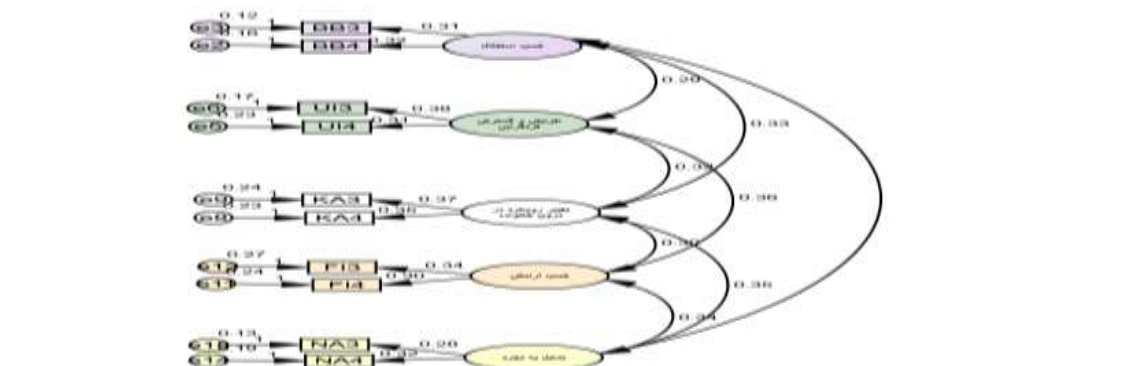
تمایل به تجرد در بین زنان شاغل در دستگاه های اجرایی در شهر تهران

CFI	NFI	RMSEA	P.value	CMIN/df	df	CMIN (x2)
0,907	0,991	0,074	0,000	2,805	358	1004,111

شاخص های جدول نشان می دهد، از آنجا که مقادیر شاخص های CFI و NFI بزرگتر از ۰٫۹ بوده است. هم چنین

شاخص $RMSEA_1 = 0.074$ و $CMIN/df = 2.805$ شده است. از این رو با توجه به نتایج شاخص های به دست آمده

در پژوهش، می‌توان بیان کرد، مدل از برآزش متناسب برخوردار بوده است.



شکل ۸. نتایج ضرایب استاندارد مولفه های پیامدها

¹.Root Mean Square Error of Approximation

جدول ۱۷. نتایج مدل شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به تجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های

اجرایی در شهر تهران

P.value	ناحیه بحرانی C.R.	ضریب غیراستاندارد		Beta	متغیرها
		S.E.	B		
۰,۰۰۰	۶,۵۵۰	۰,۰۶۲	۰,۶۱	۰,۵۳	علل اجتماعی ← راهبردها
۰,۰۰۰	۷,۴۵۱	۰,۰۴۷	۰,۵۹	۰,۵۶	علل اقتصادی ← راهبردها
۰,۰۰۰	۷,۵۴۴	۰,۰۴۸	۰,۵۸	۰,۵۴	علل فرهنگی ← راهبردها
۰,۰۰۰	۷,۸۸۳	۰,۰۵۹	۰,۴۴۴	۰,۵۶	بستر حاکم/زمینه ای ← راهبردها
۰,۰۰۰	۴,۳۲۴	۰,۳۳۹	۰,۳۱۱	۰,۴۱	مداخله گر ← راهبردها
۰,۰۰۰	۴,۴۷۸	۰,۲۷۳	۰,۷۱۲	۰,۶۵	راهبردها ← پیامدها

با استفاده از مدل ساختاری، تاثیر مقوله‌های استخراج شده (از روش کیفی)، در طراحی مدل شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به تجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل شاخص‌های موثر سبک زندگی مدرن بر تمایل به تجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران انجام گرفته است. براساس نتایج، شرایط علی موضوع پژوهش تحت تاثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. در رابطه با علل اجتماعی، مشارکت کنندگان به تغییر شکل ساختار خانواده (گسترش خانواده هسته‌ای، ضعف نظارت مستقیم بزرگترها و هم‌جواری خویشاوندان با خانواده هسته‌ای، کم‌رنگ شدن نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی، تزلزل روابط خانوادگی و خویشاوندی، تغییر سیستم خانواده و شکل جدید آن)، تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (کنترل اجتماعی ضعیف‌تر و تغییر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی)، تغییر نگرش والدین (تغییر نگرش در ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، به شکفتگی رساندن فرزند برای حضور در اجتماع، عاطفه ورزیدن به فرزند، آزاد گذاشتن فرزند برای شکوفا شدن استعدادهای او و اعطای هویت اجتماعی به فرزندان)، پذیرش سبک زندگی جدید فرزندان از سوی والدین (حق داشتن آزادی و حق انتخاب مسیر زندگی)، تغییر کارکرد

خانواده (کم رنگ شدن تقدس ازدواج، تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به ازدواج و کاهش نقش خانواده در فرایند رشد و بزرگسالی فرزندان)، تغییر عوامل محیطی (مهاجرت و سکونت در شهرهای بزرگ، کاهش محدودیت‌ها و تغییر شرایط و اقتضائات اجتماعی در امر ازدواج)، تغییر نگرش در دختران (تغییر نگرش در روابط، ارزش‌های سنتی، مسیرهای زندگی و در انتخاب‌ها)، هراس از آینده ازدواج (وجود مسئولیت‌های زندگی و افزایش طلاق)، دگرگونی در سطح کلان و خرد (فرایند نوسازی در سطوح فردی و اجتماعی نهاد خانواده، دگرگونی‌های ایدئولوژی و ساختار در سطح کلان منجر به سطح خرد (نظیر خانواده)، انطباق اجباری سازمان‌ها خرد نظیر خانواده با دگرگونی سطح کلان، تغییر نقش شبکه خویشاوندی و روابط خانوادگی، تغییر شبکه اجتماعی سنتی) و تزلزل در انتخاب‌های فرد (قرارگیری فرد در موقعیت‌های انتخاب، تزلزل در عملکرد فرد و بازتابی شدن زندگی اجتماعی) که می‌تواند در ظهور پدیده تمایل به مجرد در بین زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی در شهر تهران موثر باشد، اشاره کرده‌اند. براساس نظریه‌ی اسملسر که تغییرات اجتماعی را در حوزه‌های مختلف نظام خانواده و خویشاوندی طبقه‌بندی و بررسی می‌کند، از دیدگاه وی فرایند تغییر اجتماعی عبارت است از دگرگونی ساختاری و هماهنگی کارکردی؛ بدین معنا که ساختارها و کارکردهای اجتماعی منطبق با آنها تغییر کرده و ساختارها و کارکردهای هماهنگ با آنها پدید می‌آیند. این همان اتفاقی است که برای نهاد خانواده رخ داده است و این تغییر ساختاری خانواده به شکل‌گیری نهادهای جدید و کارکردهای جدید هماهنگ شده است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲).

یکی از شرایط علی، علل اقتصادی است که این مقوله دارای خرده مقوله‌هایی از قبیل مشارکت زنان در بخش اقتصاد) نظیر افزایش زمینه‌های اشتغال بیشتر برای زنان، اشتغال زنان و دختران، میزان درآمد و منابع درآمدی، استقلال مالی، میزان پس انداز و آینده‌نگری، کسب پایگاه شغلی و مهارت‌های شغلی) و بالا رفتن هزینه‌های ازدواج و زندگی از قبیل بالا رفتن هزینه‌های تشکیل زندگی، افزایش تجمعات ازدواج و افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی بوده است. البته گوین جونز در مالزی در رابطه با تئوری نوسازی مطرح می‌کند، افزایش سن ازدواج با افزایش شهرنشینی، گسترش آموزش برای دختران و مشارکت زنان در بخش مدرن اقتصاد همراه بوده است (جونز، ۱۹۸۱)^۱ و یا گیدنز نیز در این زمینه به رسانه‌های اجتماعی اشاره دارد و روند مدرنیته را در نفوذ آن‌ها می‌جوید که مشارکت‌کنندگان در شرایط مداخله‌گر به ورود و گسترش تکنولوژی‌های نوین اشاره کرده‌اند.

^۱ Jones, 1981

همچنین، علل فرهنگی یکی دیگر از شرایط علی است. منظور از علل فرهنگی، تغییرات فرهنگی (تغییر ساختار فرهنگی، تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی نسبت به ازدواج، تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های والای دینی نسبت به ازدواج)، توجه به سرمایه فرهنگی در خانواده (مصارف فرهنگی، مصرف رسانه‌ای، تحصیلات فرزندان و والدین، کسب مهارت‌های خاص، افزایش زمینه‌های تحصیل بیشتر برای زنان، گسترش آموزش برای دختران و تشویق دختران به توسعه آموزشی خود)، تغییر سبک زندگی (تغییر جنبه زیباشناختی، تغییر بعد تجمل بخشی، کم رنگ شدن الگوهای سنتی سبک زندگی)، تغییر الگوهای اوقات فراغت (مسافرت به صورت تنها و یا با دوستان) و تغییر ارزش‌های زنانه (به شکل زنی شاغل، زنی فارغ از مسئولیت‌های زنانه و زن فارغ از ازدواج) بوده است. در نظریه بورديو فرهنگ جایگاه مهمی دارد زیرا معتقد است این فرهنگ است که سلطه طبقه را تا جایی بازتولید می‌کند که طبقات مسلط بتوانند ارزش‌های فرهنگی، معیارها و ذائقه خود را بر کل جامعه تحمیل کنند یا حداقل ترجیحات فرهنگی خود را به عنوان معیار برترین، بهترین و مشروع ترین سبک زندگی نشان دهند. تثبیت سبک‌های زندگی، ذائقه‌ها و داورهای زیبایی شناختی به عنوان سبک زندگی برتر به معنای تحقق سلطه طبقاتی است (سیدمن، ۲۰۰۸).^۱

در نهایت در بررسی مجرد از منظر نظریه اسملسر باید گفت مجرد حاصل تغییر ساختار خانواده در فرآیند نوسازی جامعه است. نوسازی که حاصل صنعتی شدن، رشد تکنولوژی و رسانه، تغییر نقش‌ها و مواردی از این دست است. زنان نیز در این فرآیند نقش متفاوتی نسبت به گذشته یافته‌اند و از قالب زن و مادرخانه‌دار خارج شده و در اجتماع نقش‌های دیگری بدست آورده‌اند که نقش‌های جدید بر شیوه زندگی و انتخاب‌های آن‌ها موثر بوده است. این تغییر اجتماعی که حاصل تغییر ساختار و نقش‌ها است می‌تواند تا حدودی تغییرات خانواده را نسبت به گذشته تبیین کند. به زعم اسملسر، دگرگونی‌های ساختاری خصلت کل‌گرا و همه جانبه دارند. بدین ترتیب که دگرگونی در هر یک از ابعاد ساختار اجتماعی در ساختار و کارکرد دیگر ابعاد تأثیر می‌گذارد (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، تغییرات حاصل از مدرنیته تنها بر خانواده تأثیرگذار نیست، بلکه ارزش‌های فردی را نیز دستخوش تغییر می‌کند و ارزش‌های جدید را جایگزین آنچه که در گذشته به عنوان ارزش شناخته می‌شد، قرار می‌دهد. ازدواج که در گذشته یک ارزش بوده، امروزه جایگاه قبل را ندارد. تغییر ارزش‌ها می‌تواند سبب تغییر شیوه زندگی یا همان سبک زندگی افراد شود، سرایی و اجاق‌لو در پژوهشی شکل‌گیری ارزش‌هایی نظیر سکولاریسم، جنبش‌های رهایی بخش

^۱ Seidman, 2008

گسترش ارزش‌های فرامادی (نظیر توسعه شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار) ناشی از مدرنیته می‌دانند و معتقدند این تغییرات سبب شده تا افراد برای زندگی خود به شکل آزادانه‌تری تصمیم بگیرند (سرایي و اجاقلو، ۱۳۹۲). در ضمن، در نظریه‌گذار جمعیت‌شناختی به ظهور فردگرایی و فاصله گرفتن افراد از سنت‌ها اشاره شده است. در دوره مدرن افراد برخلاف گذشته که در اجتماع و لزوماً در خانواده باز تعریف می‌شدند، امروزه به صورت فردی و بر اساس شاخص‌های شخصیت فرد تعریف می‌شوند. سنت بر خلاف گذشته اهمیت چندانی ندارد. یوشیدا این موضوع را به صورت زیر عنوان می‌کند: " این نظریه بر گرایش فرد به فردگرایی و سکولاریزم و فاصله گرفتن از سنت تأکید دارد " به طور کلی این نظریه تغییرات بنیادین ارزشی و گسترش ایده‌های پست ماتریالیستی یعنی تأکید بر استقلال فردی و خود تحقق بخشی را عامل تغییر نوین خانواده تلقی می‌کند (عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۶). براساس این نظریه افزایش خود مختاری فردی در زمینه‌های مختلف اخلاقی، سیاسی، مذهبی و غیره پایه و اساس اصلی تغییرات خانواده هستند. در مجموع، در فرایند ورود، ترویج و گسترش سبک زندگی مدرن، دغدغه‌های شخصی بر مصلحت جمع برتری داشته و فرد محوری جایگزین خانواده می‌شود. البته ویلیام گود بر تغییرات خانواده ناشی از تغییر ساختاری تأکید دارد. به علاوه، نقش شبکه ارتباطات تغییر می‌کند و زنان که در جریان این فرایند نقش بیشتری در اجتماع پیدا می‌کنند و شبکه جدیدی از روابط را خلق می‌کنند و به سمت افزایش سن ازدواج می‌روند و این مقوله ایست که در روند فرایند سبک زندگی مدرن قابل انتظار است (گود، ۲۰۱۲).^۱ به عبارت دیگر، همان گونه که از دستگاه فکری پارسونز بر می‌آید، صرف وجود و یا ایجاد افراد انسانی برای تشکیل و پیش برد جامعه و اهداف آن کافی نیست بلکه حتماً باید آن افراد، تبدیل به افراد اجتماعی شوند یعنی پیوستگی فرد با جامعه و نیاز فرد به جامعه را درک نمایند و در حقیقت بعد اجتماعی وجود خویش را بشناسند از همین رو کارکرد دیگر خانواده در دیدی کلان اعطای هویت اجتماعی به فرزندان به ویژه دختران است (پارسونز، ۱۹۹۹).

^۱ Good, 2012

^۲ Parsons, 1999

منابع

۱. ازکیا، مصطفی. احمد رش، رشید. پارتازیان، کامبیز. (۱۳۹۶). روش های تحقیق کیفی. جلد دوم. انتشارات کیهان. تهران.
۲. اسلمسر، ن. (۲۰۱۰). سرمایه اجتماعی و رفتارهای اجتماعی: تأثیرات اجتماعی بر انتخاب های فردی. انتشارات دانشگاه.
۳. رودن، ج. (۲۰۰۳). نظریات فمینیستی و چالش های زنان در جوامع مدرن. انتشارات دانشگاهی.
۴. زاهدی، محمدجواد. ناییبی، هوشنگ. دانش، پروانه. نازک تبار، حسین. (۱۳۹۲). تبیین جامعه شناختی تأثیر فرایند نوسازی در ساختار خانواده (مقایسه ی نقاط شهری و روستایی در استان مازندران). مطالعات راهبردی زنان. ۱۶ (۶۱): ۹۷-۱۴۸.
۵. سالمی، م. (۱۳۹۸). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر سبک زندگی مدرن. مجله جامعه شناسی ایران.
۶. شهناواز، سارا. آزاده، منصوره اعظم. (۱۳۹۷). فراترکیب مطالعات تجرد در ایران. دوره ۱۶. شماره ۴. ۷۸-۴۳.
۷. کاظمی، س. (۱۳۹۹). تحصیلات و تأثیر آن بر تمایل به تجرد در بین زنان شاغل. پژوهش های اجتماعی.
۸. گود، وی. (۲۰۰۲). نظریات جمعیت شناختی و تأثیر آن ها بر تحولات اجتماعی. انتشارات علمی.
۹. عباسی شوازی، محمدجلال. حسینی، حاتم. (۱۳۸۶). تفاوت های قومی باروری در ایران: روندها و عوامل موثر بر آن. مجله جامعه شناسی ایران، ۸ (۴)، ۳-۳۶.
۱۰. مروت، برزو، دهقان، حسین. امید، حسنعلی. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر تمایل به ادامه زندگی مجردی در بین جوانان شهر قم. فصلنامه مطالعات جمعیتی. دوره ۶. بهار و تابستان. شماره ۱.
۱۱. محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش (منطق و طراحی در روش شناسی کیفی). جلد اول. انتشارات جامعه شناسان. تهران.
۱۲. Good, William. (2012). Family and society, translated by Vida Nashi, Tehran, translation and publishing company. [In Persian]
۱۳. Jones, G. Malay (1981). marriage and change in Penisular Malaysia: Three de cades of change . Population and Development Review. 7(2).
۱۴. Parsons, Talcott. (1999). Toward a General theory of action . Harvard university Press.
۱۵. Seidman, Steven. (2008). Controversy in Sociology. translator: Hadi Jalili, Tehran: Nei Publishing House. [In Persian]
۱۶. Straus, AL. Corbin, J. (2008). Basics of Qualitative Research . London.

The Model of Influential Factors of Modern Lifestyle on the Tendency toward Celibacy in Working Women in Tehran

The Industrial Revolution and the expansion of media, especially social networks, have transformed lifestyles and family structures. These changes are evident in Iran, where modern lifestyles have been identified as a key factor influencing the tendency toward singleness, particularly among employed women in Tehran. This study aims to design a model for the indicators of modern lifestyle affecting the tendency toward singleness in employed women in Tehran.

The study used a mixed qualitative-quantitative approach. In the qualitative section, data were collected through semi-structured interviews with 20 experts and single employed women, analyzed using the grounded theory method. The analysis identified 17 main categories and 88 initial codes in causal conditions, 6 main categories and 25 initial codes in contextual conditions, 1 main category and 42 initial codes in intervening conditions, 8 main categories and 41 initial codes in strategies, and 5 main categories and 52 initial codes in outcomes. In the quantitative section, the statistical population included 384 single employed women selected randomly, and the data were analyzed using Amos software.

Causal conditions included social interactions and cultural changes, contextual conditions involved economic status and organizational structures, and intervening conditions included cultural restrictions. Strategies emphasized raising individual awareness and redefining gender roles, while outcomes highlighted individualism, the enhancement of women's roles, and Modern lifestyles, with an emphasis on individualism and changes in social roles, have increased the tendency toward singleness, prioritizing individual preferences. This process has transformed family structures, leading to an increase in the age of marriage.

Keywords: Modern lifestyle, celibacy, working women